



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۲۴ آذر ۱۳۹۸

موضوع جزئی: مسئله ۱۸- مقام اول: نظر به اجنبیه در غیر از دست و صورت- معنای تلذذ و ریبه

مصادف با: ۱۸ ربیع الثانی ۱۴۴۱

سال دوم

جلسه: ۴۳

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

معنای تلذذ و ریبه

از مقام اول بحث مطلبی باقی مانده که لازم است این مطلب هم مورد رسیدگی قرار گیرد. در مسأله هجدهم امام(ره) درباره نظر به اجنبیه به غیر از وجه و کفین، یعنی مو و سایر اعضای بدن او فرمودند نظر جایز نیست. مبنای حرمت نظر به اجنبیه هم معلوم شد. لکن در ذیل آن فرموده‌اند: «سواء كان فيه تلذذ و ریبه أم لا»، نظر به اجنبیه مطلقاً حرام است، چه با تلذذ و ریبه باشد و چه بدون تلذذ و ریبه. مسأله تلذذ و ریبه به کرات در کتاب النکاح تکرار می‌شود؛ در سه مسأله گذشته - یعنی مسائل پانزده، شانزده و هفده - مسأله تلذذ و ریبه را داشتیم. در این مسأله هم مطرح است و در مسائل آینده هم بحث تلذذ و ریبه پیش می‌آید. در مورد محارم فرمودند نگاه به بدن محارم الا العورة جایز است لکن نگاه بدون تلذذ و ریبه والا به محارم هم اگر با تلذذ و ریبه نگاه شود، حرام است.

می‌خواهیم ببینیم منظور از تلذذ و ریبه چیست. آیا تلذذ و ریبه با هم متفاوت‌اند یا نه. در کلمات بعضی از فقها سه عنوان ذکر شده: تلذذ، ریبه و افتتان. البته در کلمات بعدی‌ها ریبه را به نحوی معنا کرده‌اند که شامل افتتان هم شده است؛ یعنی این سه عنوان به مرور به دو عنوان تبدیل شده‌اند. این دو عنوان که عمدتاً در کتاب نکاح ذکر می‌شود، معنایش چیست؟ تلذذ یعنی چه؟ ریبه به چه معناست؟ آیا در تلذذ قصد معتبر است یا نه؟ اگر نگاه با ریبه حرام باشد، حرمت آن نفسی است یا طریقی؟ اینها بحث‌هایی است که ما در این مجال کوتاه اشاره‌ای به آنها خواهیم داشت. عرض کردم که گاهی مباحث جنبه کلیدی دارد، به هر حال اینها از آن مباحثی است که در خیلی از مواقع به این نیاز داریم؛ باید در یک جایی تکلیف اینها را روشن کنیم.

۱. معنای تلذذ

تلذذ از ریشه لذت در مقابل الم است. الم به معنای درد و ناخوشی است؛ لذت نقطه مقابل درد است، یعنی خوشی، احساس خوشی داشتن. آنچه درباره تلذذ گفته شده نوعاً برگرفته از کتب لغت است و معنایش تا حدودی واضح است و ابهامی در معنای آن نیست. فقط بعضاً مطرح می‌شود که آیا تلذذ به معنای لذت بردن است یا به لذت رسیدن؛ ولی ظاهر این است که اینها با هم فرقی ندارد. بین لذت بردن یا به لذت رسیدن، به حسب فهم عرفی خیلی تفاوتی به نظر نمی‌رسد. عمده بحث در معنای ریبه است. ما ابتدا موضوع اینها را باید منقح کنیم و بعد برویم سراغ حکم آنها.

سؤال:

استاد: ممکن است با دقت‌های غیر متعارف به این نتیجه برسیم که مثلاً لذت بردن در واقع اشاره به فعلیت لذت دارد؛ به لذت رسیدن یعنی اینکه انسان کاری یا عملی یا رفتاری را داشته باشد که انسان را به لذت برساند. ولی از نظر عرف و لغت

نمی‌شود بین اینها فرق گذاشت. تلذذ یعنی لذت بردن و این ظهور در فعلیت دارد؛ این می‌تواند به سبب نگاه باشد؛ می‌تواند به سبب خوردن یک غذا باشد؛ می‌تواند نگاه به یک منظره زیبا باشد یا یک چهره زیبا باشد؛ یا در اثر گوش دادن باشد، چون گاهی انسان با گوش دادن به لذت می‌رسد؛ یا با لمس یک چیزی به لذت می‌رسد. تقریباً حواس پنج‌گانه انسان، هم شنیداری، هم دیداری، هم چشایی، هم لمس، اینها همه می‌تواند موجب لذت انسان شود یا موجب الم و درد و ناراحتی شود. این معنای لذت است. در همه اینها یک احساس خوشی و شادمانی برای انسان پیش می‌آید.

۲. معنای ریبیه

اما در مورد ریبیه مسأله این است که این اصطلاح بیشتر در کتب فقهی مورد استفاده قرار گرفته تا در روایات. تلذذ در روایات بیشتر استعمال شده است. اما ریبیه کمتر و شاید حتی ادعا شود که در روایات باب نکاح این واژه استعمال نشده است. به هر حال برای ریبیه معانی مختلفی ذکر کرده‌اند:

الف) در کشف اللثام تقریباً به دو معنا اشاره شده است: «ما یخطر بالبال من النظر دون التلذذ»^۱، آنچه که به ذهن خطور می‌کند. آن چیزی که از نگاه به ذهن خطور می‌کند، بدون اینکه لذتی حاصل شود، این اعم از آن است که یک امر سالم باشد یا امر فاسد باشد. لذا مرحوم نراقی در مستند الشیعة یک قیدی اضافه کرده است؛ (البته ایشان سه معنا برای ریبیه گفته که خواهیم گفت، اما این معنا که کشف اللثام به نحو مطلق گفته، در عبارت نراقی به این نحو آمده): «ما یخطر بالبال من المفسد»^۲، آنچه که به ذهن خطور می‌کند از مفسد و گناهان؛ یعنی فکر گناه در ذهن ایجاد می‌شود. لزوماً فکر گناه در ذهن مساوی با لذت نیست؛ برای همین است که کاشف اللثام دون التلذذ را در عبارت خود آورده است. یک وقت ممکن است کسی از یک صحنه‌ای به فکر گناه بیفتد لکن خود این صحنه لذت آور نباشد.

ب) معنای دوم، خوف فتنه و افتتان است؛ یعنی انسان خوف این را داشته باشد که گرفتار فتنه و فساد شود. این مطلب در عبارت کشف اللثام هم آمده: «أو خوف الافتتان»، خوف فتنه، خوف فساد. خوف فتنه و فساد یعنی اینکه انسان نگران وقوع در فساد و فتنه باشد، نه اینکه در فساد واقع شده باشد. خوف اینکه انسان در فساد و گناه و فتنه واقع شود، این پیش بیاید. این در عبارت مرحوم نراقی هم آمده: «خوف الفتنة و الفساد و الوقوع فی موضع التهمة»، خوف فتنه و فساد و واقع شدن در موضع تهمت.

ج) معنای سوم برای ریبیه، خوف الوقوع فی الحرام است. «خوف الوقوع فی الحرام»^۳ این تعبیر مستند الشیعة است. پس گویا سه معنا برای ریبیه شده است. یکی ما یخطر بالبال من المفسد، دوم خوف الفتنة و الفساد، سوم خوف الوقوع فی الحرام.

شمول ریبیه نسبت به افتتان

۱. کشف اللثام، ج ۷، ص ۲۳.

۲. مستند الشیعة، ج ۱۶، ص ۶۰.

۳. همان.

در برخی از کتب فقهی از جمله تذکره سه عنوان ذکر کرده‌اند: تلذذ، ریبه و افتتان؛ این را کشف اللثام از تذکره نقل می‌کند که می‌گوید نظر نباید همراه با تلذذ، ریبه و افتتان باشد. یعنی افتتان را از ریبه جدا کرده‌اند، ولی همانطور که ایشان احتمال داده و درست هم هست، می‌توانیم ریبه را شامل افتتان هم بدانیم؛ به همین جهت است که مرحوم محقق صاحب شرایع به همین دو عنوان تلذذ و ریبه اکتفا کرده است. یعنی افتتان در واقع یک عنوان مستقل و در عرض این دو عنوان تلذذ و ریبه نیست. به همین جهت در کتب بعد از محقق، عمدتاً همین دو عنوان به کار رفته است، یعنی تلذذ و ریبه. پس افتتان اولاً یک عنوان مستقل از ریبه نیست؛ اما اینکه ریبه به چه معناست، سه معنا برای آن ذکر شده است که ما این سه معنا را گفتیم. مرحوم نراقی، کاشف اللثام، اینها سه معنا را گفته‌اند؛ ولی در عبارات متأخرین عمدتاً ریبه را به یک معنا دانسته‌اند: خوف الوقوع فی الحرام. ریبه به معنای این است که انسان خوف داشته باشد با آن کاری که انجام می‌دهد در حرام واقع شود و به همین جهت صاحب جواهر می‌فرماید: «الظاهر ان المراد من الریبة خوف الوقوع معها فی محرم و لعله هو المعبر عنه بخوف الفتنة و یكون الاقتصار علیهما - كما فی المتن - اجود»^۱، ایشان می‌فرماید کاری که محقق کرده که این دو عنوان را آورده - یعنی تلذذ و ریبه -، این اجود از این است که ما سه عنوان را کنار هم قرار دهیم و افتتان را هم اضافه کنیم. اما حالا که دو عنوان را قرار می‌دهیم، معنای تلذذ معلوم است، ریبه به چه معناست؟ صاحب جواهر تصریح کرده‌اند که «خوف الوقوع معها فی محرم»، خوف واقع شدن در حرام.

البته در برخی عبارات ریبه به خوف وقوع در زنا هم تعریف و تفسیر شده، ولی به نظر می‌رسد وجهی برای اختصاص این مسأله به زنا وجود ندارد. یعنی ریبه لزوماً به این معنا نیست که انسان خوف وقوع در زنا داشته باشد. ممکن است مثلاً احتمال شرب خمر پیدا شود، احتمال دروغ پیدا شود، احتمال هر یک از این گناهان داده شود و خوف و ترس از وقوع در گناه و حرام باشد، آنجا صدق عنوان ریبه می‌کند. آن وقت کاشف اللثام می‌گوید اینکه ما می‌گوییم ریبه شامل افتتان هم می‌شود، این با ریشه لغوی ریبه که راب باشد، سازگار است؛ می‌گوید ریبه مشتق از راب است و راب در واقع یعنی اضطراب، کسی که در قلبش اضطراب و تشویق باشد. پس اگر این جهت را هم بخواهیم در نظر بگیریم، در واقع علاوه بر اینکه ریبه را شامل افتتان می‌کند، معنایش می‌شود یک تشویش درونی و یک اضطراب درونی که منجر به گناه و ارتکاب حرام می‌شود.

نسبت بین تلذذ و ریبه

بر این اساس نسبت بین تلذذ و ریبه می‌شود عموم و خصوص من وجه، چون:

۱. گاهی در نگاهی تلذذ نیست اما ریبه هست؛ به این معنا که از یک نگاه کردنی لذت نمی‌برد اما این نگاه باعث می‌شود خوف ارتکاب گناه و افتادن در حرام باشد. الان در حرام نیفتاده؛ (حالا ریبه را بحث می‌کنیم، این خودش موضوع برای حرمت است. نگاه با ریبه، سماع با ریبه، لمس با ریبه، که حالا باید ببینیم ادله شامل این موارد می‌شود یا نه. این خودش موضوع برای حرمت است؛ منتهی مشهور معتقدند این حرمت نفسی است ولو اینکه انسان به حرام نیفتد. اما در مقابل، برخی معتقدند این حرمت طریقی است که حالا توضیح خواهیم داد. فعلاً با طریقی یا نفسی بودن حرمت ریبه کاری نداریم). پس گاهی از اوقات در نگاه تلذذ وجود ندارد اما خوف و نگرانی نسبت به اینکه انسان در مراحل بعدی به حرام بیفتد وجود دارد.

۱. جواهر، ج ۳۰، ص ۱۲۱.

۲. گاهی از اوقات تَلذذ هست اما خوف وقوع در حرام نیست؛ یعنی ریبه وجود ندارد. مثلا کسی به یک چهره زیبا نگاه می‌کند، به چهره یک زن زیبا می‌کند؛ او از همین نگاه کردن لذت می‌برد، هیجان و شهوت در او ایجاد می‌شود یا به تعبیر دیگر می‌خواهد با نگاه کردن شهوتش را اطفاء کند در حالی که اطفاء نمی‌شود و بدتر شعله‌ور می‌شود. اینجا نفس نگاه کردن برای او لذت‌آور هست اما یقین دارد که به حرام نمی‌افتد؛ خوف وقوع حرام‌هایی مثل زنا و دروغ و شرب خمر و امثال اینها وجود ندارد. یا حتی ممکن است لذت باشد، چون خود لذت تارة مشروع است و اخری غیر مشروع. این تَلذذی که ما مقایسه می‌کنیم با ریبه، تَلذذ شهوانی است والا تَلذذ غیر شهوانی که مثلا کسی از دیدن منظره دریا لذت ببرد، این از موضوع بحث ما خارج است.

پس ماده افتراق از ناحیه ریبه و تَلذذ معلوم شد؛ یعنی یک جایی در نگاه تَلذذ هست اما ریبه نیست. ماده افتراق از ناحیه ریبه هم این است که در برخی موارد ریبه هست، یعنی خوف وقوع در حرام هست اما تَلذذ وجود ندارد.

۳. یک اجتماع ماده هم دارند؛ یعنی در برخی نگاه‌ها هم تَلذذ و تحریک شهوانی وجود دارد و هم خوف وقوع در حرام. یعنی با نفس نگاه کردن لذت می‌برد، تحریک شهوت و هیجان خاص در او شکل می‌گیرد، در عین حال خوف وقوع در حرام هم می‌تواند وجود داشته باشد.

سؤال:

استاد: عرض کردم که خوف وقوع در حرام یعنی خوف افتادن و غلتیدن در حرام‌های دیگر. می‌خواهم عرض کنم که عنوان‌ها فرق می‌کند؛ عنوان ریبه غیر از عنوان تَلذذ است. اینکه ما می‌گوییم که مثلا در مواردی ماده اجتماع دارند، معنایش آن است که این نگاه از این حیث که خوف وقوع در حرام در آن هست، می‌شود ریبه؛ اما از این حیث که همین الان دارد تَلذذ می‌برد، این خودش می‌شود عنوان تَلذذ. یعنی عنوان تَلذذ از این جهت صادق است که دارد لذت می‌برد و این خودش مستقلا موضوع برای حرمت است. اما آیا عنوان ریبه هم می‌تواند صادق باشد، از این جهت که او را وادار کند که در یک حرام دیگری بیفتد، مثل زنا و شرب خمر. درست است که تَلذذ خودش حرام است و زنا هم یک حرام است؛ اما این نگاه از این جهت که باعث وقوع در حرام می‌شود، یعنی حرام دیگری منظور است چون خود ریبه در ادله موضوع برای حرمت هست؛ اصلا مشهور معتقدند نگاه با ریبه فی نفسه حرام است ولو لم یترتب علیه حرام و فساد؛ دلیل آن هم این است که شارع می‌خواهد پیشگیری کند. درست است این خودش الان هیچ تَلذذی نمی‌برد، اما خوف این هست که این نگاه باعث شود که در آینده به حرام بیفتد؛ حالا آینده نیم ساعت دیگر است یا یک روز دیگر. مشهور می‌گویند این یک حرام نفسی است. دلیلش هم آن است که با این دستور، شارع می‌خواهد یک اقدام احتیاطی کند و همه را مکلف کند که از این نگاه اجتناب کنند تا به حرام نیفتند. البته ما یک ملاحظه و تعلیقه‌ای داریم که عرض خواهیم کرد؛ این را جداگانه بررسی خواهیم کرد که آیا حرمت ریبه واقعا نفسی است یا طریقی است؟ به عبارت دیگر این حکم مولوی است یا ارشادی؟

سؤال:

استاد: برای اینکه اصلا دو مفهوم جداگانه هستند که ممکن است در یک مورد این دو عنوان منطبق شوند. ممکن است کسی بخواهد خیلی دقیق برخورد کند، لقائل آن یقول که نخیر، اینها دو مفهوم مباین هستند و قابل اجتماع نیستند؛ چون ریبه یعنی

نگاهی که خوف وقوع در حرام باشد. تلذذ یعنی آن حالت خوشی به انسان دست دادن. لذا اینها مباین هستند؛ ولی این حرف درست نیست. چه مانعی دارد که در یک موردی از خود این نگاه هیجان شهوت در کسی پیش بیاید و در عین حال این خودش منشأ شود و ترس و خوفی برای وقوع در حرام ایجاد کند. اگر گفته شود نسبت اینها تباین است، ممکن است منظور این باشد که وقتی بحث خوف وقوع در حرام پیش می‌آید، معنایش آن است که این خودش فی نفسه یک عنوانی برای حکم حرمت نیست، بلکه یک نگاهی است که هیچ مشکلی از حیث حرام بودن آن نیست ولی خوف وقوع در حرام در آن هست. آنها ممکن است به این جهت بگویند که اینها مباین هستند و ماده اجتماع ندارند، چون باید نگاهی را فرض کنیم که فقط خوف وقوع در حرام باشد و هیچ حرامی در خود این نگاه نباشد، حتی عنوان تلذذ. به نظر می‌رسد که این حرف صحیح نیست؛ چون بالاخره یک نگاه می‌تواند دو وجهین باشد؛ از یک جهت تلذذ داشته باشد و از این نگاه لذت ببرد و در عین حال غیر از این جهت، خوف افتادن و غلتیدن در حرام دیگر وجود داشته باشد.

سؤال:

استاد: اینکه گفته شد که بحث می‌شود که آیا حرمت نفسی دارد یا طریقی، جهتی است که ما بعداً خواهیم گفت که نهایتاً این است که این مقدمه حرام است. آقایان می‌گویند این خودش حرام نفسی است و اینجا به خصوص موضوعیت دارد؛ در حالی که بعداً خواهیم گفت که این چنین نیست و ما نمی‌توانیم این را حرام نفسی بدانیم.

خلاصه بحث

تلذذ و ریبه که در کتب فقهی به عنوان دو عنوان مستقل ذکر شده و حرام دانسته شده، معنایش معلوم شد. معنای تلذذ و لذت بردن در اثر نگاه مشخص شد. همچنین معلوم شد که نگاه با ریبه به چه معناست. اشاره‌ای به پیشینه این دو عنوان هم داشتیم و گفتیم در برخی کتاب‌ها عنوان افتتان هم به عنوان یک واژه سوم و عنوان سوم در کنار این دو ذکر شده ولی لعل افتتان نمی‌تواند یک عنوان مستقل باشد و این داخل در عنوان ریبه است. ریبه هم علی‌رغم اینکه معانی مختلفی برای آن ذکر شده، از جمله اینکه انسان خطورات ذهنی‌اش یک خطورات ذهنی بدی شود، فکرهای ناجور، توهمات، فکر گناه، فکر فساد، اینها به ذهن او بیاید؛ این فکر غیر از واقع شدن در حرام است. نفس افتادن و غوطه ور شدن در افکار این چنینی، این می‌شود ریبه؛ یعنی ذهن آدم را درگیر کند. این خودش موضوع برای حرمت می‌شود. یک احتمال خوف فتنه است، یعنی خوف واقع شدن در فساد؛ یک احتمال هم خوف وقوع در حرام است. آنچه در بین متأخرین بیشتر پذیرفته شده و در عبارات متأخرین بیشتر آمده، همین خوف وقوع در حرام است. بنابراین بین تلذذ و ریبه به معنای خوف وقوع در حرام، نسبت عموم خصوص من وجه است؛ از نظر مفهومی مباین هستند اما می‌توانند در مواردی متصادق هم باشند، و این تصادق به حسب مصداق خارجی است و نه به حسب مفهومی. از نظر مفهومی مباین هستند؛ اینطور نیست که مفهوم آنها مشترک باشد، اما از نظر مصداق خارجی می‌توانند در مواردی اجتماع کنند، مثل اجتماع دو عنوان عالم و فاسق در شخص واحد، با اینکه مفهوم عالم با مفهوم فاسق کاملاً از نظر محتوایی مباین هستند. این بحث ادامه دارد که جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»